

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

گردآوری و برگردان از: حمید محوی
اول اگست ۲۰۱۲

[از هیروشیما تا بغداد]

۳

درباره ژنوسید با اورانیوم ضعیف شده



اخیرا به مناسبت سفر رئیس جمهور ایران به نیویورک شاهد تظاهراتی از جانب محافل رسمی اپوزیسیون ایران مقابل ساختمان سازمان ملل متحد بودیم. البته روشن است که چنین تجمعاتی که غالبا به پشتیبانی های مالی مجهول انجام می گیر، تازگی ندارد. ولی باید دانست که متأسفانه گفتمان حقوق بشر نزد اپوزیسیون های ایرانی در خارج از کشور قویا با جهان سیاست آمیخته و بیشتر با طرح های امپریالیستی هم خوانی دارد تا با جریانی راستین برای دفاع از حقوق بشر.

البته من شخصا در محل حضور نداشتم، ولی این اخبار را در طریق روزنامه اینترنتی پی گیری کردم. در تصویری که منتشر شده بود می توانستیم شعارهای روی پلاکاردها را بخوانیم. انتقاد اصلی که ما می توانیم به چنین جریان هائی وارد بدانیم به شعارهای مطرح شده ارتباطی ندارد، بلکه به ناگفته ها مربوط می شود.

من فکر می کنم حداقل مطالبی که می توانیم درباره آنها بگوئیم این است که چنین جریاناتی با شعارهای ظاهراً بشر دوستانه به میدان می آیند ولی به آن چه مدعی آن استند، واقعاً عمل نمی کنند. انحراف اصلی چنین مدافعانی در طرح مسائل حقوق بشر معاصر، به نگاه بسته و جزئی نگری آنها مربوط می شود، و دقیقاً به دلیل همین جزئی نگری نزد آنان است که از دیدگاه من انحرافی به نظر می رسد.

جزئی نگری در این جاست که ما موضوع حقوق بشر را منحصر به ایران بدانیم و تنها خلاف کاری های نسبی دولت مذهبی را به باد انتقاد بگیریم که - به عنوان مثال - برای بشریت هیچ نقشی قائل نیست به جز عبادت خدا. در حالی که موضوع حقوق بشر موضوعی جهان شمول است. ولی خشونت امپریالیستی، تجاوز به خاک کشورها، قتل های عام رایج، نگاه عمیق به موضوع اختلاف طبقاتی در سطح جهانی و ... تا نبرد موگادیشو هیچ یک نه تنها جزء گفتمان کنفدراسیون ایرانیان برای دفاع از حقوق بشر نبوده است، بلکه به عکس، تا آن جایی که من می دانم، در مصاحباتشان با رادیو بین المللی فرانسه غالباً از موقعیت سرمایه های خصوصی در ایران اظهار نگرانی کرده اند، و احتمالاً یکی از مشغولیات دائمی آنها رسیدگی به مال و اموال برباد رفته برخی افراد در رژیم پیشین ایران بوده است. به طور کلی می توانیم بگوئیم که حقوق بشر از دیدگاه حقوق بشر ایرانی و رسمی همان حقوق بشر بورژوائی ست.

نگاه جزئی در اینجا مشخصاً یعنی چه؟ یعنی این که ما در امریکا یعنی کشوری که علی رغم مداخله پاپ، "کلارا توکه" را اعدام کرد و کشوری که اعدام در آن جا بیداد می کند، فقط به جمهوری اسلامی اعتراض کنیم و بگوئیم تو آدم نکش و تو افراد زیر هجده سال را اعدام نکن و یا اساساً اعدام نکن و بمب اتمی نساز و حتی انرژی اتمی هم نداشته باش و حتی از ایجاد آرشو برای علم فزیک اتمی و حتی فزیک هم قطع نظر کن. چنین اعتراضاتی شاید البته در بهترین تعابیر ستایش انگیز باشد، ولی موجب این توهم می شود که گویی آنها بر خاک تمدن خیزی ایستاده اند.

ستایش انگیز است که حداقل یک عده هنوز برای جان و سرنوشت نوع بشر و نوع بشر ایرانی ارزش قائل می شوند. ولی تناقض چنین جریاناتی که از جزئی نگری بیمارناک آنها منشأ می گیرد، در این نکته نهفته است که اگر با برده فروشی مخالف هستند، ولی از طرف دیگر با عمده فروشان برده هم پیاله می شوند؟ و چگونه است که به اعدام مجرمین اجتماعی که در عین حال قربانیان اجتماعی نیز هستند اعتراض می کنند، ولی از نسل کشی "ژنوسید" حرفی نمی زنند و موضوع استفاده از سلاح های اورانیوم رقیق شده توسط ناتو در جنگ های معاصر هیچ گاه جایی در گفتمان آنها نداشته است و نه تنها در چنین مواردی همواره سکوت اختیار کرده اند بلکه همین رادیو بین المللی فرانسه که خودش را بلندگوی حقوق بشر معرفی می کند، هر آن گاه که محافل ایرانی به خاطر استفاده از سلاح های کیمیائی علیه ایران در طول جنگ هشت ساله، شکایتی مطرح کرده اند همین حقوق بشری ها به نام مبارزه با جمهوری اسلامی، جهت موضوع را تغییر داده و گویی که چنین شکایتی ترفندی سیاسی بوده است. بدون شک یکی از دلایل چنین پرده پوشی ها و سیاست هائی از جانب محافل به اصطلاح حقوق بشری، شرکت مستقیم فرانسه در معامله اسلحه با دوست دیرینه شان بوده که امریکائی ها اعدامش کردند. در هر صورت باید دانست که موضوع جنایات جنگی هیچ گاه در گفتمان حقوق بشری ایرانیان در خارج از کشور جایی نداشته است.

ولی اپوزیسیون ایرانی (نما) در خارج از کشور و محافل رسمی حقوق بشر ایرانی تنها بازی کنان این صحنه سکوت و تبانی در رابطه با جنایتی که در شرف وقوع می باشد، نیستند، زیرا دولت های عراق و افغانستان و ایران نیز در این بازی مرگ آسا شرکت دارند و آنها نیز سکوت اختیار کرده اند. سازمان ملل متحد یکی دیگر از بازی کنان این صحنه مرگ آسا است.

حمید محوی

آیا ارتش کانادا مهمات اورانیوم ضعیف شده در اختیار دارد؟



ناو NCSM Athabaskan و ناو NCSM Terra Nova که هر دو ناو به سیستم سلاح کوتاه برد فالانکس (۲) (سیستم دفاعی ضد موشک با شلیک سریع) مجهز می باشند، از بندر هالیفاکس برای شرکت در جنگی که به نام جنگ خلیج شهرت دارد حرکت کردند. ولی در عملیات محاصره دریائی با دشمن روبرو نشدند. ذخیره اورانیوم ضعیف شده به عنوان مهمات شرایط خاصی را ضروری می سازد، و این از جمله مواردی است که مشکلاتی برای لوژیستیک ناوگان کانادا به وجود آورده بود.

از سال ۱۹۹۸ سلاح اورانیوم ضعیف شده جزء سلاح های کشور کانادا نیست. برای مهمات کانادائی از این پس از تونگستن (۳) استفاده می شود که از جمله فلزات سنگین است.

پی نوشت :

۱- منبع

http://www.dnd.ca/health/information/med_vaccs/frgraph/DU_Backgrounder_f.asp

2- Phalanx

3-Tungstène

گاهنامه هنر و مبارزه

دسامبر ۲۰۰۸

<http://stopua.blogfa.com/1387/10>

به کارگیری بمب‌های هوشمند امریکائی

در حملات نوار غزه

روزنامه‌ اینترنتی خبرگزاری فارس ۸۷/۱۰/۰۹ به نقل از یک روزنامه‌ اسرائیلی (بدون قید منبع) اعلام کرد که نیروی هوایی اسرائیل در بمباران اخیر غزه از بمب‌های سنگر کوب «جی بی یو ۳۹» استفاده کرده است. اگر چنین خبری صحیح باشد، از آن جایی که چنین بمب‌هایی از اورانیوم ضعیف شده استفاده می‌کند، به کار بردن آن به مفهوم خودکشی و قطع نسل اسرائیل نیز خواهد بود. زیرا غبار اورانیوم ضعیف شده مرز نمی‌شناسد و با باد و عناصر مختلف طبیعی در اطراف پراکنده خواهد شد. در هر صورت اسرائیل یکی از مناطق آلوده به اورانیوم رقیق شده در منطقه‌ خاور میانه است. زیرا نتایج بمباران های عراق و افغانستان هم چنان در حال گسترش است. نتیجه این که این خبر یا صحیح نیست، و یا این که اسرائیل راه حل مقابله با گرد و غبار های اورانیوم ضعیف شده را پیدا کرده است. و این موضوعی است که بعید به نظر می‌رسد. و یا این که اسرائیل همراه با بمباران غزه، خودش را نیز به قطع نسل محکوم کرده است. چنین نظریاتی باز هم صحیح به نظر نمی‌رسند. من نتیجه می‌گیرم که اسرائیل در بمباران های اخیر از «جی بی یو ۳۹» استفاده نکرده است.

درباره بمباران رفح

و

اورانیوم ضعیف شده

روزنامه‌ حزب کمونیست کانادا به نقل از منابع مختلف، روز ۱۵ جنوری ۲۰۰۹ در خصوص بمباران شدید رفح در نزدیکی مرز مصر، در تقویم حوادث خود نوشته بود که اسرائیلی‌ها برای تخریب تونل‌های زیر زمینی که برای مقابله با محاصره ایجاد کرده‌اند و از آنها برای حمل مایحتاج روزمره استفاده می‌کنند، از بمب‌های سنگر کوب استفاده کرده‌اند. بر این اساس نتیجه‌گیری من در متن پیشین درباره عدم استفاده اسرائیل از چنین سلاحی صحیح به نظر نمی‌رسد، و روزنامه‌ حزب کمونیست کانادا می‌نویسد که از بمب‌های اورانیوم ضعیف شده استفاده کرده‌اند. من فکر می‌کنم، اگر چنین موردی واقعیت داشته باشد، چنین عملی نه تنها تمام عیار بودن این جنگ را نشان می‌دهد؛ و نه تنها «ژنوسیدر» بوده، بلکه حاکی از این امر می‌باشد که اسرائیل نیز کارد به استخوانش رسیده و دست به اعمال جنون آمیز می‌زند. در هر صورت در تمام این موارد ما هیچ اطلاع‌صحیحی در دست نداریم و با توجه به منابع مختلف خبری به نتایج متفاوتی می‌رسیم.

گاهنامه هنر و مبارزه

فبروری ۲۰۱۰

<http://stopua.blogfa.com/1388/12>

«به گزارش هفته نامه انگلیسی ساندی هرالده، آمریکا صدها بمب سنگر کوب را با هدف تهدید ایران از کالیفرنیا به جزیره انگلیسی دیه گو گارسیا منتقل کرد.

ساندی هرالده نوشت، این اقدام بر پایه توافق ماه جنوری آمریکا برای انتقال ۱۰ کانتینر مهمات به این جزیره صورت گرفته است.

این محموله نیروی دریایی آمریکا شامل ۳۸۷ بمب پر قدرت است که برای انهدام تأسیسات و سنگرهای مستحکم زیرزمینی به کار می رود.

این بمبها شامل ۱۹۰ بمب هوشمند و هدایت شونده بلو-۱۱۰ و همچنین ۱۹۲ بمب پر قدرت و دو هزار پوندی (نهصد کیلوئی) بلو-۱۱۷ می شود.

به نوشته ساندی هرالده، کارشناسان این اقدام آمریکا را به منزله تهدیدی برای تأسیسات هسته ای ایران و وادار کردن این کشور به توقف برنامه هسته ای خود ارزیابی کرده اند.

ساندی هرالده در سال ۲۰۰۷ نیز گزارش داده بود، آمریکا جنگنده های استیلت مستقر در پایگاه دیه گو گارسیا را به قابلیت حمل بمبهای سنگر کوب مجهز کرده است.

ساندی هرالده همچنین از پرداخت ۶۹۹ هزار و پانصد دلار به یک شرکت حمل و نقل دریایی برای انتقال هزاران محموله نظامی از شهر کنکورد در ایالت کالیفرنیا به جزیره دیه گو گارسیا خبر داد.

دان پلش، رئیس مرکز بین المللی مطالعات و دیپلماسی دانشگاه لندن به ساندی هرالده گفت، هدف آمریکا از منتشر نکردن این گونه اقدامات خود علیه ایران، محتمل جلوه دادن حمله به این کشور است.

وی تأکید کرد آمریکا از زور به عنوان بخشی از ستراتیژیهای عمومی خود برای هدایت اقدامهای ایران استفاده می کند.

در حالی که مقامهای ایران نقل و انتقالهای نظامی و مخفیانه جلوه دادن این گونه اخبار از سوی آمریکا را اقدامی ناکارآمد از سوی واشنگتن برای محتمل جلوه دادن حمله ناممکن به ایران می دانند.

یان دیوس، رئیس مؤسسه مستقل و غیردولتی ناتو واچ (NATO Watch) (۱) به هفته نامه ساندی هرالده گفت:

"باید از آمریکا بخواهیم هدف واقعی خود از استقرار این بمبها را روشن کند.

آمریکا در دو تهاجم خود به عراق در سالهای ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ از پایگاه دیه گو گارسیا نیز استفاده کرده بود.»

پی نوشت:

۱- (NATO Watch)

همانطور که می دانیم اصطلاح بمب سنگر کوب شیوه ای است برای امتناع از به کار بستن کلمه اورانیوم ضعیف شده. در هر صورت برخی کشورها نظیر امریکا هنوز سلاح های اورانیوم ضعیف شده را به عنوان سلاح های متعارف یا کلاسیک معرفی می کنند.

از طرف دیگر بر اساس قوانین بین المللی که به امضای خود ایالات متحده امریکا نیز رسیده، بمباران مراکز تولید انرژی هسته ای ممنوع و غیر قانونی است. با این وجود ابرقدرت امریکا دائما از احتمال بمباران مراکز هسته ای ایران حرف می زند. متأسفانه مواردی است که افشاءگری و یاداری قوانین و موازین اخلاقی، اگر چه نیکو به نظر می رسد ولی در برابر کشوری که برای پیشبرد اهدافش در سیاست های خارجی از هیچ جنایتی کوتاهی نمی کند و از کشوری که دست پدر بنیانگذارش به بزرگترین قتل عام تاریخ آلوده است (قتل عام سرخپوستان بومی قاره امریکا) ناکارآمد و بیهوده به نظر می رسد.

به همان شکلی که جان پرکینز در کتاب «اعترافات جنایتکار اقتصادی» نشان می دهد، وقتی سنگ جنایتکاران اقتصادی به سنگ می خورد، و وقتی شغالها تلاش هایشان بی نتیجه می ماند، دختران و پسران جوان را می فرستند که بکشند و کشته شوند. راه حل نظامی آخرین راه حل امپریالیسم جهانی و شرکت های چند ملیتی در جهان سرمایه داری است.

چنین مسأله ای به هیچ عنوان به موضوع قرون وسطانی بودن و یا غیر دموکراتیک بودن دولتی نظیر جمهوری اسلامی ارتباطی ندارد. مگر دولت مصدق قرون وسطانی و حزب الله بود؟ . اولین جنایتکار اقتصادی کرمیت روزولت (نوه تدی رئیس جمهور ایالات متحده امریکا) در سالهای ۵۰ دولت ایران را که به شکل دموکراتیک انتخاب شده بود، با خرج چند میلیون دالر سرنگون کرد.

بی شک این تصاویر مشنر کننده محصول پیشرفته ترین و قدرتمندترین کشور دنیا است : ایالات متحده امریکا. به همین علت نیز ما را بیش از پیش به فکر می دارد تا در مفهوم پیشرفت و قدرت تأمل کنیم.





بعد از این تصاویر چه باید گفت؟ بعد از این تصاویر چه باید کرد؟

گفتمان مدافعان حقوق بشر و ناگفته ها

درباره ژنوسید با اورانیوم ضعیف شده

گاهنامه هنر و مبارزه

اگست ۲۰۰۸

<http://stopua.blogfa.com/1387/07>

سکوت تبانی آسای مزدوران ایرانی نما در خدمت جنایت علیه بشریت

اپوزیسیون ایرانی نما در خارج از کشور و گفتمان بیمارناک مدافعان حقوق بشر و ناگفته ها درباره ژنوسید با

اورانیوم ضعیف شده